

موسیقی زیرزمینی؛ بازنمای دغدغه‌های اجتماعی جوانان

فاطمه جواهری^۱، سیدحسین سراج‌زاده^۲، سمیه شکفته^۳

چکیده

با وجودی که طی چند سال گذشته در مورد گرایش‌های موسیقیایی جوانان ایرانی مطالعاتی انجام شده اما موسیقی زیرزمینی کمتر موضوع پژوهش قرار گرفته است. مقاله حاضر به بررسی مضامین مستتر در شعر موسیقی‌های زیرزمینی پرداخته است. در این راستا ۱۱ مورد از این شعرها که در زمان نگارش مقاله از شهرت بیشتری برخوردار بودند انتخاب و با استفاده از روش تحلیل محتوای کمی و کیفی، مضامین و دلالت‌های جامعه‌شناختی آنها شناسایی شده است. یافته‌های به‌دست آمده حاکی از آن است که شعرهای موسیقی‌های زیرزمینی دارای سوگیری انتقادی به شرایط فرهنگی - اجتماعی جامعه ایران هستند و این ظرفیت را دارند تا با مباحث مطرح در عرصه عمومی ارتباط پیدا کنند.

واژه‌های کلیدی

موسیقی زیرزمینی، خرده فرهنگ جوانان، نقد اجتماعی، جامعه ایران

تاریخ دریافت: ۹۱/۰۶/۰۱

تاریخ پذیرش: ۹۱/۰۷/۰۵

1. Underground Music

Javaherm@yahoo.com

Serajsh@yahoo.com

Somaye_Shekofte@yahoo.com

۲. دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت معلم

۳. دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت معلم

۴. کارشناس ارشد پژوهش اجتماعی و مدرس دانشگاه پیام‌نور

❖ مقدمه

سهولت دسترسی، چند منظوره بودن، هزینه اندک و تأثیرگذاری سریع موسیقی موجب شده تا این کالای فرهنگی در بخش‌های عمده‌ای از زندگی انسان امروز حضور داشته باشد. افزون بر این، ظهور فناوری‌های الکترونیکی، توسعه صنایع رسانه‌ای و جهانی شدن فرهنگی در مجموع کمیت و کیفیت بهره‌مندی از موسیقی را وسعت بخشیده است.

مردم به وسیله موسیقی احساس، تفکر و عمل خود را ابراز می‌کنند. موسیقی دائماً تجربه‌ای را می‌سازد یا بازسازی می‌کند، درباره کیفیت خاص یک تجربه سخن می‌گوید یا لحن یک تجربه را تعیین می‌کند. موسیقی ابزاری است برای آنکه افراد از احساس پر شوند و عاملیت و هویت خود را برپا نگه دارند (فاضلی، ۱۳۸۴: ۵۸). آثار بهره‌مندی از موسیقی به سطح شخصی محدود نمی‌شود بلکه به سطح اجتماعی تسری پیدا می‌کند. برخی از متفکران اجتماعی معتقد هستند مصرف موسیقی به‌مثابه یک کالای فرهنگی موجب تشخیص و تمایز اجتماعی می‌شود. «هیچ چیز به اندازه سلیقه موسیقی نمی‌تواند طبقه کسی را به وضوح معلوم کند یا به‌صورت خطاناپذیری اشخاص را طبقه‌بندی کند» (بورديو، ۱۳۹۰: ۴۴).

صرف‌نظر از جایگاه موسیقی در زندگی روزمره عموم مردم، این پدیده یکی از عناصر مهم دوره جوانی است زیرا با نیاز آنان به نوگرایی، هیجان‌جویی و تنوع‌طلبی سازگار است. از این‌رو موسیقی مورد علاقه جوانان و بزرگسالان اغلب با یکدیگر تفاوت دارد. به این دلیل مطالعه گرایش‌های موسیقایی جوانان، امکان مناسبی را برای شناخت ذائقه فرهنگی و جهان اجتماعی آنان فراهم می‌آورد. به‌واسطه این قبیل مطالعات می‌توان فهمید که جوانان درباره امور پیرامون خود چگونه می‌اندیشند و این تلقی چگونه در سوگیری آنان نسبت به اعیان اجتماعی تأثیر می‌گذارد.

❖ سال سیزدهم، شماره هجدهم، تابستان ۱۳۹۱

طی سال‌های گذشته در مورد مصرف موسیقیایی جوانان چندین اثر پژوهشی تولید شده است. برای مثال قاسمی و میرزایی (۱۳۸۵) نشان داده‌اند که جوانان نمونه تحقیق آنان به موسیقی پاپ غیرمجاز گرایش دارند زیرا آن را شادتر از موسیقی پاپ می‌دانند. ایمان و همکاران (۱۳۸۹) نیز درباره معانی ذهنی و جهت‌گیری مصرف‌کنندگان موسیقی تحقیقی را به انجام رسانده‌اند. شکوری و غلامزاده نطنزی (۱۳۸۹) سبک مصرف انواع موسیقی را در بین جوانان تهرانی مطالعه کرده‌اند. آزاده‌فر و نوری (۱۳۸۹) نحوه برخورد و ارزش‌گذاری موسیقی راک را از دیدگاه ۳۰۰ نفر از مصرف‌کنندگان ایرانی و ترک این موسیقی مشخص نموده‌اند. اطلاعات آنها حاکی از آن است که در خلال استفاده از موسیقی راک، مخاطبان فرصت تصاحب معنایی، کنش فعالانه در ساختار شعری، تصویری و موسیقیایی را پیدا می‌کنند و به این ترتیب یک نوع مخاطب فعال شکل می‌گیرد. سروی (۱۳۸۹) به بررسی موسیقی ایران در بازه زمانی ۱۳۸۵-۱۲۸۵ پرداخته و تلاش کرده تا ضمن تبارشناسی تاریخی و معرفتی ویژگی‌های گفتمانی این دوره، تفسیر معناکاوانه‌ای از این گفتمان ارائه دهد. ودادهیر و همکاران (۱۳۹۰) نیز عوامل فرهنگی-اجتماعی مرتبط با گرایش به استفاده از موسیقی پاپ را در بین دانشجویان بررسی نموده‌اند.

اما هیچ‌یک از پژوهش‌های یادشده به مطالعه موسیقی زیرزمینی نپرداخته‌اند. این موسیقی طیف گسترده‌ای از سبک‌های موسیقی پاپ، رپ و راک را دربر می‌گیرد اما به‌خاطر مضامین معنایی‌اش تولید علنی آن در ایران ممنوع می‌باشد. با این وجود، رشد روزافزون تکنولوژی‌های ارتباطی، محدودیت دسترسی به این موسیقی را کاهش داده است. عکس‌ها و آهنگ‌های خوانندگان موسیقی زیرزمینی از طریق اینترنت و کانال‌های ماهواره‌ای یا به‌وسیله شبکه‌های غیررسمی دوستانه با سهولت میان جوانان و نوجوانان توزیع می‌شود.

❖ سال سیزدهم، شماره هجدهم، تابستان ۱۳۹۱

یکی از پرسش‌های مطرح در این زمینه که مقاله حاضر درصدد پاسخگویی به آن است شناسایی مهم‌ترین مفاهیم، معانی و دلالت‌های جامعه‌شناختی مستتر در متن ترانه موسیقی‌های زیرزمینی است. اگر موسیقی به مثابه یک متن فرهنگی تلقی شود، در این صورت کاویدن لایه‌های معنایی آن می‌تواند گرایش‌های فرهنگی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان آن را آشکار سازد. زیرا «در اصل یکی از مهم‌ترین راه‌های مطالعه فرهنگ، تجزیه کلماتی است که مردم به کار می‌برند و همچنین درک منظوری است که از آن دارند» (تری‌یاندیس، ۱۳۷۸: ۱۶۱). یافته‌های به دست آمده می‌تواند فهم ما را نسبت به جهان ذهنی جوانان، فرهنگ غیررسمی و رابطه آن با فرهنگ مسلط و رسمی افزایش دهد.

چارچوب مفهومی و نظری

«موسیقی را می‌توان به عنوان هر عمل ارتباطی تعریف کرد که صدا را بر اساس ریتم، لحن، هماهنگی و ساخت تنظیم کند» (Darnard & Spencer, 1996: 383). اضافه شدن عنصر شعر^۱ که گاه از آن تحت عنوان ترانه نیز نام برده می‌شود بر جاذبه و تأثیر موسیقی می‌افزاید.

ترانه بیان واقعیت یا بازنمایی عینی، حسی و جزئی واقعیت به وسیله تصاویر لفظی جزئی است و موسیقی بیان واقعیت به وسیله تصاویر صوتی جزئی است. کلماتی که در ترانه (شعر) به کار می‌رود متضمن دو جنبه ادراکی و عاطفی است. شاعر معمولاً کلماتی را برمی‌گزیند که بار عاطفی سنگین‌تری دارند. از آنجا که جنبه عاطفی کلمات ناشی از اشیاء و اموری است که در طی زندگی اجتماعی با آن کلمات همراه بوده‌اند پس در بین اعضاء یک گروه اجتماعی به طور مشابه فهم می‌شود (آریان‌پور، ۱۳۸۰: ۹۷ - ۹۵).

1. Lyric

❖ به این دلیل زمانی که متن یک ترانه با آوای یک موسیقی همراه شود قدرت بالایی برای انتقال اندیشه‌ها و احساسات پیدا می‌کند. «گاهی معنای موسیقایی به‌عنوان بیان تعدادی واژه با موضوعی معین، در جهت تفسیر چیزی پیش می‌رود که به‌موجب شرایطی به‌نحو عینی تحقق یافته است» (دیلتای، ۱۳۸۹: ۳۶۰). با تکیه بر این اصل ملت‌های مختلف غم‌ها، شادی‌ها، اندیشه‌ها و حرمان‌های خود را در موسیقی‌شان بازتاب می‌دهند. در واقع موسیقی زبان احساس و ترجمان دل مردم یک جامعه است (نصیری‌فر، ۱۳۸۰: ۳۵).

همان‌طور که پیش از این اشاره شد موسیقی بخش مهمی از جهان زیست و خرده‌فرهنگ جوانان است.

مصرف نوع خاصی از موسیقی در حکم روش خاصی از حیات داشتن در جهان است. جوانان، مصرف موسیقی را همچون نشانه‌ای به‌کار می‌برند که از طریق آن راجع به دیگران قضاوت می‌کنند و دیگران نیز آنان را مورد قضاوت قرار می‌دهند. مهم این است که آن موسیقی، حسی از تعلق به یک اجتماع ایجاد می‌کند. اجتماع مورد نظر، در خلال مصرف موسیقی به‌وجود می‌آید. وقتی عضو چنین اجتماعی به موسیقی گوش می‌سپارد حتی اگر فرد دیگری در کنار او نباشد باز هم در چارچوبی از حضور دیگران خیالی به موسیقی گوش می‌دهد (استوری، ۱۳۸۶: ۲۴۰).

از این‌رو، استفاده از یک موسیقی خاص موجب احساس تشابه با عده‌ای و احساس تمایز با عده‌ای دیگر خواهد شد.

موسیقی پاپ به منزله پدیده فرهنگی، نشانه‌ای است از بسیاری تنش‌ها و تعارض‌هایی که امروزه مفاهیم هویت، یگانگی اجتماعی، جنسیت و نیز ملازمت ناخودآگاهانه‌ای که این مفاهیم در الگوهای نیاز و خیال‌پروری تحت

سیطره خود دارد. معطوف شدن فکر و ذکر نوجوانان به پاره‌فرهنگ‌های نشئت‌گرفته از شکل‌های خاصی از موسیقی گاهی اوقات موضوع اصلی اختلاف‌های آنان با والدین‌شان است (جنکینز، ۱۳۸۱: ۱۹۰-۱۸۹).

در مورد اینکه یک ژانر موسیقایی تحت چه شرایط اجتماعی تولید می‌شود و تحت چه شرایطی مورد استقبال قرار می‌گیرد، تفکرهای مختلفی وجود دارد. بخشی از مطالعاتی که در خلال دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ به‌خصوص در سنت مطالعات فرهنگی بیرنگام انجام شده به‌طور مشترک فرضیه‌ای را تأیید می‌کند مبنی بر اینکه خرده‌فرهنگ جوانان، اشکال و سبک‌های موسیقایی را به منزله پایه‌ای برای هویت خویش جذب و ابداع کرده و با این کار نوعی سیاست ضدفرهنگ رسمی را تصدیق می‌کنند (شوکر، ۱۳۸۶: ۱۵).

بنابراین می‌توان گفت استفاده جوانان از موسیقی صرف‌نظر از جنبه‌های فردی ممکن است با نوعی دلالت اجتماعی توأم باشد. برای مثال آگاهی از مشکلات و مسائل اجتماعی و گفتگو درباره آنها از جمله امور مورد توجه جوانان است. به این منظور گاهی، افراد از نمادهای هنری برای اظهارنظر در مورد امور جاری جامعه بهره‌برداری می‌کنند و به این ترتیب یک اثر موسیقایی با عرصه عمومی مرتبط می‌شود. شاید بر این مبنای باشد که:

برخی متفکران اجتماعی، موسیقی مردم‌پسند را چونان فرآورده صنعت موسیقی کالایی بس استناد کرده‌اند می‌پندارند که مصرف آن، شنونده را با هستی‌اش در نظام سرمایه‌داری معاصر همساز می‌کند. دیدگاه اقتصاد-سیاسی انگاشته‌های نظریه جامعه توده‌ای را کمابیش بازتولید می‌کند و به بررسی سازوکارهای اقتصادی تعیین‌کننده دسترسی مردم به فرآورده‌های موسیقایی می‌پردازد. رهیافت مطالعات فرهنگی مصرف را گونه‌ای از فعالیت می‌داند. فعالیتی که از راه آن مصرف‌کننده می‌تواند در برابر صنعت

بایستد. عده‌ای دیگر معتقد هستند موسیقی مردم‌پسند برای جستجو و استوارسازی حسی از هویت برگزیده می‌شود و بر ایستادگی گروه‌های فرودست و اقلیت در برابر ارزش‌ها و گرایش‌های فرهنگ پدر و مادری استوار است (ادگار و سچ‌ویک، ۱۳۸۷: ۴۸۸ - ۴۸۷).

از این رو می‌توان گفت آثار هنری (و از جمله ترانه‌ها) گاهی می‌توانند بازنمای نگرش افراد نسبت به شرایط جامعه خود باشند. تجربه‌های متعدد، این اندیشه را تأیید می‌کند که امور جاری جامعه در مراحل مختلفی از ساخت موسیقی بازتاب پیدا می‌کند.

برای مثال گروه موسوم به یو۲ در کنسرت‌هایی که در سال ۱۹۸۵ در شهرهای مختلف آمریکا برگزار کردند، دریافتند که باید جنبه‌های سیاسی ترانه‌شان با عنوان یکشنبه، یکشنبه خونین را به کسانی که در برنامه‌های این گروه شرکت می‌کردند، توضیح دهند. کنسرت موسوم به کمک مستقیم را که شاید بتوان گفت مهم‌ترین رویداد در موسیقی پاپ دهه ۱۹۸۰ بود بیش از ۲ میلیارد نفر گوش کردند. در نتیجه این اقدام، هم کمک مالی قابل ملاحظه‌ای جمع‌آوری شد و هم اینکه خشک‌سالی به موضوعی عمومی تبدیل گردید (استوری، ۱۳۸۶: ۲۶۰ - ۲۵۹).

در ایران نیز شواهدی دال بر ارتباط میان شعر و عرصه عمومی وجود دارد. در دوران مشروطه ادیبان موسیقی‌دان مشروطه‌خواه آخرین ساخته‌هایشان را در خدمت اهداف و آرمان‌های مشروطه‌خواهان به اشتراک گذاشتند. برای مثال در شعر دوران مشروطه، مضامین معطوف به باستان‌گرایی و احیای هویت ملی از آن جهت برجستگی یافت تا احساس حقارت در برابر بیگانه را تقویت نماید (نیکویخت و زارع، ۱۳۸۶). شعر دوران مشروطه بازنمای اوضاع نابسامان اداری و زندگانی مردم، جهل و بی‌سوادی، بی‌عدالتی و شرایط نامناسب زنان بوده است (محمدی، ۱۳۸۹). موسیقی ایرانی در دوران انقلاب اسلامی و در دوره جنگ هشت ساله ایران و عراق

❖ در جهت برانگیختن هیجان‌های وطن‌خواهانه، تحکیم وحدت اجتماعی و همسویی با جامعه و اهداف و آرمان‌های آن نقش بسزایی داشت.

ترانه‌های موسیقی عامه‌پسند از ظرفیت قابل ملاحظه‌ای برای انتقال پیام‌های اجتماعی برخوردار هستند. زیرا این موسیقی بر خلاف موسیقی کلاسیک که نخبه‌گرایانه است، به آسانی با امور مربوط به مسائل زندگی عامه مردم درهم آمیخته می‌شود و از این رو گاهی این قبیل شعرها مضامین اعتراضی و انتقادی پیدا می‌کنند و به عرصه عمومی وارد می‌شوند.

سیطره (یا عرصه) عمومی قلمرویی از زندگی است که در آن چیزی شبیه به افکار عمومی می‌تواند شکل بگیرد. شهروندان هنگامی به مثابه پیکره‌ای عمومی رفتار می‌کنند که به شیوه‌ای بی‌قید و شرط به تبادل نظر درباره علائق عام بپردازند و از خلال این گفتگو به یک قضاوت مشترک برسند و کنش سیاسی را تحت تأثیر قرار دهند (Hauser, 1998: 86)؛ هابرماس، ۱۳۸۶: ۲۶۵).

بر این اساس می‌توان گفت هر چند که موسیقی زیرزمینی در فضای خصوصی مورد استفاده قرار می‌گیرد اما می‌تواند به محملی برای نقد اجتماعی تبدیل شود.

به این دلیل ما امروز با پدیده‌ای به نام دریافت خصوصی‌شده رویدادهای عمومی مواجه هستیم. به این معنا که به واسطه ارتباط توده‌گیر، افراد می‌توانند در محیط‌های خصوصی خود، طیف وسیع‌تری از رویدادها را تجربه کنند که در قلمرو عمومی به وقوع می‌پیوندد (تامپسون، ۱۳۸۷: ۳۰۰).

در نتیجه این فرایند در حالی که افراد به صورت شخصی از موسیقی استفاده می‌کنند به طور غیرمستقیم با حوزه عمومی نیز مرتبط می‌شوند.

نوشتار حاضر بر مبنای این پرسش شکل گرفته که مضامین موجود در ترانه‌های موسیقی زیرزمینی بازنمای چه نوع معانی و اندیشه‌هایی است؟

روش مطالعه

هدف این مطالعه شناسایی مضامین و تشریح معانی ترانه‌های برخی قطعات موسیقی زیرزمینی است. بنابراین واحد تحلیل، متن ترانه‌های موسیقی‌های زیرزمینی است. ترانه‌های موسیقی به‌مثابه متنی که جایگاهی برای ترکیب‌بندی معنا است در نظر گرفته می‌شوند.

ادراک متن زمانی ممکن است که میان دو نفر یعنی مؤلف و خواننده رابطه ایجاد شود. نیت مؤلف، خواست آگاهانه او در نهادن معنا، اساس و بنیان این مناسبت است. دیاتای معتقد است خواننده یا تأویل‌کننده باید خود را با افق اندیشه‌های مؤلف همخوان کند و این یگانه کار اساسی در تأویل است (استوری، ۱۳۸۶: ۵۹۰).

با توجه به نکات یادشده این احتمال وجود دارد که ترانه موسیقی‌های زیرزمینی حامل معانی مورد نظر تولیدکننده، ترانه‌سرا یا خواننده^۱ آن باشد. از این‌رو انتظار می‌رود تحلیل محتوای این ترانه‌ها محمل مناسبی برای شناخت مضامین مرتبط با آن باشد. البته شیوه خواندن ترانه، چارچوب فرهنگی که در بستر آن یک ترانه فهم می‌شود، رابطه نهانی بین سازنده ترانه و مخاطب بر معنابخشیدن به متن شعر و تأثیرپذیری از آن نقش دارد. مطالعه حاضر به دلیل محدودیت‌های خاص خود فقط بر کشف نمادهای مستتر در متن ترانه‌ها تمرکز دارد.

نمادهای یک متن، نشانه‌هایی هستند که به چیزی غیر از خود دلالت دارند. هر یک از نمادها دارای دو معنای صریح و ضمنی هستند. مفهوم صریح، معنای بدیهی نشانه است، آنچه که رابطه نشانه با مصداق خود را در واقعیت بیرونی توصیف می‌کند. برای مثال واژه خیابان معنای صریح جاده‌ای در شهر است که اطراف آن با ساختمان‌هایی محدود شده است.

۱. ترانه‌سرا و خواننده یک شعر ممکن است یک فرد مشترک یا ممکن است دو نفر باشند.

معنای ضمنی، یک اثر تعاملی است که در هنگام رویارویی نشانه با احساسات و عواطف استفاده‌کنندگان و ارزش‌های فرهنگی آنان به وجود می‌آید و زمانی صورت می‌گیرد که معانی به سوی ذهنیت بخشیدن یا دست‌کم مرحله میان‌ذهنی در حرکت است. معانی ضمنی، کمتر شخصی و بیشتر اجتماعی است (فیسک، ۱۳۸۸: ۱۲۹).

به منظور شناسایی معانی صریح و ضمنی ترانه‌ها، از روش تحلیل محتوای مضمونی استفاده شده است. در این روش محقق صورهای اجتماعی یا قضاوت‌های گویندگان را بر مبنای تحلیل پاره‌ای از عناصر تشکیل‌دهنده گفتارشان آشکار می‌سازد (کیوی و کامپنهود، ۱۳۷۷: ۲۲۵-۲۲۳).

برای انتخاب نمونه‌ای مناسب از قطعات مختلف موسیقی (در زمان گردآوری اطلاعات) از حدود ۲۰ نفر از جوانان طرفدار این نوع موسیقی تقاضا شد معروف‌ترین آهنگ مورد نظر خود یا سایر جوانان را معرفی کنند. در نهایت ۱۱ شعر از شش خواننده معروف شناسایی شد.

مراحل استخراج اطلاعات

مرحله اول تحلیل محتوای متن ترانه‌ها:

- ابتدا متن هر ترانه به تعدادی عبارت معنادار تفکیک شد.
- با کمک برخی از استادان، فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد و دکتری جامعه‌شناسی و جوانان مصرف‌کننده موسیقی زیرزمینی مفاهیم جامعه‌شناختی مرتبط با هر عبارت تعیین شد.
- برای عبارت‌های دارای مفاهیم مشابه یک مضمون واحد در نظر گرفته شد.
- فراوانی و درصد آنها نسبت به کل عبارت‌های آن ترانه، محاسبه شد.
- در نهایت مضامین جامعه‌شناختی مربوط به آنها تعیین شد.

- ❖ سال سیزدهم، شماره هجدهم، تابستان ۱۳۹۱
- در مرحله دوم، پس از اتمام تحلیل جداگانه هر ترانه مضمون هر عبارت به ترتیب زیر ذیل شش حوزه کلان دسته‌بندی شد:
 - حوزه اجتماعی شامل کیفیت روابط اجتماعی میان افراد، سازمان‌ها و نهادهای جامعه؛
 - حوزه فرهنگی شامل ارزش‌ها، باورها، اخلاقیات، سنت‌ها و موارد مشابه؛
 - حوزه سیاسی شامل قدرت، رابطه دولت با مردم و نحوه اداره کشور؛
 - حوزه اقتصادی شامل ثروت، اشتغال و مصرف کالا؛
 - حوزه دین^۱ شامل پایبندی دینی جوانان، جایگاه دین در جامعه، عملکرد و رفتار مبلغان دینی؛
 - حوزه وضعیت روانی انسان معاصر شامل گرایش‌های عاطفی، فکری و رفتاری افراد.

به‌منظور اطمینان از اعتبار طبقه‌بندی‌ها و نام‌گذاری‌ها، متن ترانه‌ها به همراه مضامین استخراج‌شده در اختیار دو نفر از داوران قرار گرفت و از آنها تقاضا شد نظر خود را درباره درستی معنای نسبت داده‌شده به هر جمله یا عبارت اعلام کنند. میزان تشابه قضاوت داوران با آنچه توسط محقق انجام شده بود، بیش از ۷۰ درصد بود.

یافته‌ها

مرحله اول: تحلیل متن هر ترانه به‌طور جداگانه

- **اختلاف:** در بین مقوله‌های مختلف این ترانه بیشترین فراوانی به ابراز نیاز به برخورداری از یک حیات معنوی و نیاز به ارتباط با مبدأ هستی (۲۴٪) مربوط است. در مرتبه بعد موضوعاتی مانند ناخرسندی از نابرابری اجتماعی و شکاف طبقاتی (۱۹٪)،

۱. هر چند که می‌توان مقوله دین را در حوزه فرهنگ طبقه‌بندی کرد اما به دلیل برجستگی نقش دین در تعیین مناسبات اجتماعی در جامعه ایران، یک طبقه جداگانه برای آن در نظر گرفته شد.

❖ بیان حس تحقیرشدگی جوانان و فشار روانی حاصل از آن (۱۸٪) و فقدان زمینه‌های رشد در جامعه (۱۵٪) بیشتر تکرار شده‌اند. احساس ناامنی، لازمه هوشیار بودن در شرایط فعلی جامعه، ناامیدی، غلبه ارزش‌های مادی‌گرایانه و نیاز به جلب توجه جنس مخالف هر یک با حدود ۴ درصد مابقی موارد را تشکیل داده‌اند.

- **وطن پرست:** در این متن مقوله‌هایی مانند رشادت و تعهد جوانان ایرانی به سرزمین‌شان (۴۸٪)، نگرانی از حمله نیروهای خارجی به کشور (۲۴٪) و اشاره به شکوه ایران در زمان‌های گذشته (۲۴٪) دارای بیشترین فراوانی است.

- **درکم کن:** متن این ترانه بیشتر به مشکل اشتغال اشاره دارد. مقوله‌هایی مانند ناامیدی از آینده (۲۲٪)، بی‌توجهی به نیازهای ارباب‌رجوع در اداره‌ها و وجود قوانین دست و پاگیر (۱۹٪)، مسائل ناشی از بیکاری (۱۵٪)، فقر (۱۵٪) و فشار روانی حاصل از محدودیت‌های اجتماعی (۹٪) بیشتر تکرار شده‌اند. گرایش جوانان به مهاجرت به خارج از کشور، ضعیف شدن روابط عاطفی، توسل به شانس و اقبال، انتقاد از نابرابری و تبعیض و اعتراض به استفاده ابزاری از دین در ۲ تا ۵ درصد موارد تکرار شده است.

- **سی‌دی رو بشکن:** موضوع این آهنگ به زنی به نام «زهره» مربوط است که پس از بازی در فیلم کم‌کم کن و نرگس شهرت پیدا کرد. با پخش فیلمی از زندگی خصوصی او، موقعیت هنری و آبرویش در معرض خطر قرار گرفت. در این ترانه رفتار غیراخلاقی افراد نسبت به او سرزنش شده است. متن ترانه از تضعیف ارزش‌های انسانی و از بین رفتن غیرت و مردانگی شکایت دارد و توصیه می‌کند افراد از تماشای آن فیلم پرهیز کنند. در این شعر به تضعیف ارزش‌های انسانی (۲۹٪)، توصیه به حفظ شرافت و انسانیت (۱۹٪) و ناامیدی و انزوا به خاطر رواج رفتارهای غیراخلاقی (۱۶/۵٪) اشاره شده است. سایر مضامین عبارت‌اند از: سهمیم بودن افراد جامعه در مشکلات اجتماع، استفاده از دین برای مواجهه با مشکلات اجتماعی، انتقاد به رواج

نگاه جنسی به زنان، توصیف نسل جوان به عنوان نسل سوخته و دردمند، عدم وجود امنیت اجتماعی، رواج بی‌هنجاری در جامعه و فقدان حمایت از دختران قربانی.

- **حاجی ما آخر خطیم:** مخاطب این آهنگ دین‌داران متظاهر هستند که با عنوان «حاجی» مورد خطاب قرار گرفته‌اند. در این ترانه مضامینی مانند بی‌اعتمادی جوانان به رفتارهای مذهبی دین‌داران متظاهر و رواج استفاده ابزاری از دین (۶۵٪)، نگرانی جوانان از آینده و ناامیدی از بهبود شرایط آتی جامعه (۱۰٪) و عدم وجود زمینه‌های رشد برای جوانان ایرانی (۱۴٪) بیشتر تکرار شده است. سایر مضامین عبارت‌اند از: عصیانگری نسل جوان، رواج اعتیاد، فساد و نابودی نسل جوان.

- **ما مرد نیستیم:** خواننده این آهنگ زنان را تشویق می‌کند که در برابر هنجارها و قواعد تبعیض‌آمیزی که علیه آنان اعمال می‌شود، مقابله نمایند. مقوله‌های مندرج در متن این ترانه بر تلاش در جهت آگاه‌سازی زنان نسبت به حقوق خود (۲۱٪)، انتقاد از محروم کردن زنان از آزادی و لذت‌های طبیعی (۱۹٪)، ستم و تحقیر زنان در طول تاریخ (۱۶٪) و از بین رفتن شرافت و مردانگی سنتی (۱۴٪) دلالت دارد. سایر موارد عبارت‌اند از: اتلاف سرمایه و جودی جوانان، فقدان آزادی بیان، نابرابری و تبعیض و روابط نامشروع قبل از ازدواج.

- **ممد نبودی ببینی:** این آهنگ ملهم از ترانه معروفی است که در زمان جنگ و در ارتباط با آزادسازی خرمشهر تولید شد و اغلب در سوم خرداد هر سال به یاد آن واقعه تاریخی پخش می‌شود. منظور از «ممد» محمد جهان‌آرا یکی از فرماندهان جنگ در خرمشهر است. این ترانه از مشکلات اجتماعی پس از جنگ و انتظارات برآورده نشده مردم سخن می‌گوید. محورهای مورد اشاره عبارت‌اند از: فقر و عدم وجود رفاه اقتصادی در جامعه (۲۹٪)، موقعیت ضعیف ایران در سطح بین‌المللی (۲۰٪)،

❖ نارضایتی اجتماعی (۱۳٪) و عدم وجود آزادی (۹٪). سایر محورها عبارت‌اند از: فقدان آزادی، عدم وجود رفتار دوستانه در بین مردم، تخریب قدرت تفکر جوانان، عدم اطمینان به آینده، بزهکاری، بی‌عدالتی، بیکاری و تنزل شأن انسانی ایرانیان در جامعه بین‌الملل.

- **اینجا ایران:** در این ترانه عدم امکان رشد برای جوانان و وجود زمینه انحراف و پرخاشگری در جامعه (۱۹٪)، تأثیر مشکلات جامعه بر سلامت مردم (۹٪)، یأس اجتماعی (۷/۵٪)، عدم وجود آزادی بیان (۷/۵٪) و فقدان نگرش واقع‌بینانه در بین مردم (۷٪) از جمله پربسامدترین موارد بوده‌اند. مقوله‌های دیگر شامل استفاده ابزاری از دین، ارجحیت ارزش‌های مادی و تنزل ارزش‌های انسانی است.

- **نامه به رئیس‌جمهور:** در این قطعه، ابتدا بخشی از سخنرانی رئیس‌جمهور وقت (آقای احمدی‌نژاد) پخش می‌شود و سپس خواننده برخی مسائل اجتماعی را خطاب به رئیس‌جمهور بیان می‌کند. متن منتخب از سخنرانی رئیس‌جمهور به ترتیب زیر است:

واقعاً مشکل مردم ما الان شکل موی بچه‌های ماست؟ خوب بچه‌ها دوست دارن موهاشونو هر جور بزارن به من و تو چه ربطی داره؟ دولت باید بیاد اقتصاد رو سامان بده، فضای کشور رو آرامش ببخشه، امنیت روانی درست کنه، پشتیبانی بکنه از مردم، مشکل مهم جوان‌های ما اینه که مدل موشون رو چه جور بزارن و دولت هم نمی‌زاره؟ الان مشکل کشور ما اینه که مثلاً فلان دختر ما فلان لباس رو پوشیده؟ یا الان مشکل کشور ما اینه که ...

از جمله موضوعاتی که در این شعر آمده ناکارآمدی عملکرد دولت (۳۰٪)، تخریب قدرت تفکر جوانان و نادیده گرفتن نیازهای آنان (۱۶٪)، شیوع بزهکاری و نابسامانی اجتماعی (۱۴٪)، رواج ناامیدی در بین مردم (۱۲٪) و ضعیف بودن آزادی بیان (۱۰٪)

❖ سال سیزدهم، شماره هجدهم، تابستان ۱۳۹۱

است. از بین رفتن جایگاه دین در بین مردم و تعبیر نابجا از دین نیز ۸٪ موارد را به خود اختصاص داده است.

- **دافی شاپ:** داف به معنای دختر و شاپ به معنای مغازه است، به عبارت دیگر منظور از دافی شاپ بنگاه تجاری معاملات جنسی است. تبلیغ برای ارتباط جنسی خارج از چارچوب ازدواج (۳۳٪)، نگرش شیءانگارانه به زن (۲۵٪)، رواج تجاری شدن رابطه جنسی (۳۰٪) و به رخ کشیدن قدرت مردان در جذب جنس مخالف (۱۴٪) از مهم‌ترین مقوله‌های مورد اشاره در این متن است.

- **بغض:** در این ترانه وضعیت معلولان و رفتار مردم جامعه نسبت به آنها مورد انتقاد قرار گرفته است. این ترانه به مواردی مانند ضعف ارزش‌های انسانی (۳۰٪)، نسبت دادن مشکلات موجود به خداوند (۱۹/۵٪)، احساس بی‌عدالتی افراد معلول نسبت به مردم عادی جامعه (۱۷/۵٪)، ناامیدی (۱۶/۵٪) و ضرورت توجه به افراد معلول و کودکان کار (۱۵٪) اشاره دارد.

اطلاعات یادشده نشان می‌دهد که مضامین موجود در ترانه موسیقی‌های زیرزمینی در ارتباط با مشکلات و نارسایی‌های فرهنگی - اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه لحنی انتقادی دارد.

مرحله دوم: دسته‌بندی جمعی مضامین کلیه ترانه‌ها

در این قسمت کل مفاهیم استخراج‌شده از متن ترانه‌ها در شش حوزه فرهنگ، اجتماع، سیاست، اقتصاد، دین و نگرش به انسان، دسته‌بندی و ترکیب شده است. نسبت مقوله‌ها در هر یک از حوزه‌های یادشده عبارت‌اند از: مضامین اجتماعی (۳۱٪)، مضامین فرهنگی (۳۰٪)، مضامین دینی (۱۶/۵٪)، مضامین توصیف‌کننده وضعیت روانی انسان در جامعه کنونی (۱۰/۵٪)، مضامین سیاسی (۱۰٪) و مضامین اقتصادی (۵٪). اطلاعات تفصیلی در جداول ۱ تا ۵ آمده است.

جدول ۱. مضامین اجتماعی ترانه‌ها

درصد نسبت به کل مضامین تعداد=۵۱۰	درصد نسبت به مضامین اجتماعی تعداد=۱۵۷	فراوانی	مضامین	ردیف
۷/۵	۲۵	۳۸	فقدان امکانات کافی برای رشد جوانان، اتلاف سرمایه فکری و وجودی جوانان	۱
۶/۰۷	۲۰	۳۱	نابرابری، تبعیض و پارتی‌بازی	۲
۳/۹۲	۱۲/۷۳	۲۰	رواج انحراف و بی‌هنجاری	۳
۲/۹۴	۹/۵۵	۱۵	توصیه به هوشیاری زنان در برابر سوءاستفاده از آنان	۴
۲/۹۴	۹/۵۵	۱۵	تعهد جوانان به هویت ملی	۵
۲/۳۷	۸/۳۷	۱۲	گرایش جوانان به مهاجرت	۶
۱/۹۶	۶/۳۶	۱۰	ضرورت توجه به افراد آسیب‌پذیر، معلول و دختران جوان	۷
۱/۵۶	۵/۰۹	۸	ضعیف بودن امنیت اجتماعی	۸
۱/۱۷	۳/۸۲	۶	رواج نارضایتی اجتماعی	۹
۰/۴	۱/۲۷	۲	نیاز به توجه جنس مخالف	۱۰
۳۰/۷۸	۱۰۰	۱۵۷	جمع	

همان‌طور که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود بیشتر مضامین به اظهار نظر انتقادی در مورد مسائل و معضلات اجتماعی چون عدم امکان رشد جوانان، نابرابری و تبعیض، افزایش میزان انحراف‌های اجتماعی و عدم امنیت اجتماعی اشاره دارد.

جدول ۲. مضامین فرهنگی ترانه‌ها

ردیف	مضامین	فراوانی	درصد نسبت به مضامین فرهنگی تعداد=۱۴۸	درصد نسبت به کل مضامین تعداد=۵۱۰
۱	انتقاد به تضعیف ارزش‌های انسانی و اخلاقی	۴۸	۳۲	۹/۵
۲	عدم برخورداری زنان از آزادی و حرمت انسانی، نقش‌های محدودکننده جنسیتی، نگرش جنسیتی به زنان	۳۵	۲۴	۶/۸
۳	رواج رابطه جنسی تجاری و تبلیغ ارتباط جنسی خارج از چارچوب ازدواج	۳۲	۲۲	۶/۵
۴	توصیه به حفظ شرافت و انسانیت	۸	۵/۴	۱/۵
۵	رواج افکار غیرواقع‌بینانه و تقدیرگرایانه	۸	۵/۴	۱/۵
۶	ارجحیت ارزش‌های مادی به معنوی	۶	۴	۱/۲
۷	توصیه به حفظ هویت زنانه و تعیین سرنوشت خود	۶	۴	۱/۲
۸	به رخ کشیدن مهارت مردانه در جذب جنس مخالف	۵	۳/۳	۱
	جمع	۱۴۸	۱۰۰	۳۰

اطلاعات جدول ۲ نشان می‌دهد که در حوزه فرهنگ، انتقاد به از بین رفتن ارزش‌های انسانی و اخلاقی دارای بیشترین بسامد است. این نکته حاکی از آن است که برای جوانان حفظ انسانیت و اخلاق بسیار بااهمیت است و آنان به نوبه خود نگران تضعیف این قبیل ارزش‌ها هستند.

جدول ۳. مضامین مذهبی ترانه‌ها

ردیف	مضامین	فراوانی	درصد نسبت به مضامین مذهبی تعداد=۸۳	درصد نسبت به کل مضامین تعداد=۵۱۰
۱	بی‌اعتمادی به دین‌داران متظاهر: رواج انحراف جنسی و ریاکاری در میان آنها، استفاده ابزاری از دین	۳۵	۵۳/۶	۸/۶
۲	استفاده از دین برای تحمل‌پذیر کردن مشکلات اجتماعی برای مردم	۱۳	۱۵/۶۶	۲/۵۴
۳	برآورده نشدن انتظار جوانان از دین	۱۳	۱۵	۲
۴	نیاز به ارتباط با یک مبدأ معنوی	۹	۱۰/۸۴	۱/۷۶
۵	نقش دین‌داران متظاهر در رواج فساد و نابودی نسل جوان	۳	۳/۶۱	۰/۵۸
	جمع	۸۳	۱۰۰	۱۶/۳

مضامین موجود در جدول ۳ به انتقاد از شیوه رایج تربیت دینی و رفتار مبلغان دین مربوط است. اگر این اشاره دارای دلالت‌های واقعی باشد می‌توان گفت رویه‌های موجود برای جذب شماری از جوانان نه تنها مؤثر واقع نشده، بلکه موجب گریز از دین هم شده است. در مقابل وجود مضامینی مانند استفاده از دین برای تحمل مشکلات اجتماعی یا به عبارت دیگر طلب کمک از خداوند هنگام مواجهه با مشکلات، به همراه تکرار عباراتی که نشانه نیاز به ارتباط با یک مبدأ معنوی است، بیانگر آن است که با وجود نارضایتی از رفتار مبلغان مذهبی اما باز هم یک نوع احساس نیاز به دین ملاحظه می‌شود. این نکته حاکی از آن است که حتی جوانان معترض و سرخورده از دین‌داران متظاهر نیز باز از طریق دین در جستجوی یافتن یک سامانه معنوی هستند.

جدول ۴. مضامین مرتبط با وضعیت روانی

ردیف	مضامین	فراوانی	درصد نسبت به مضامین مربوط به وضع روانی انسان تعداد=۷۷	درصد نسبت به کل مضامین تعداد=۵۱۰
۱	ناامیدی و یأس نسبت به آینده	۴۹	۶۴	۹/۶
۲	حس تحقیرشدگی و فشار روانی در بین جوانان، تخریب سلامت جوانان در اثر مشکلات اجتماعی	۲۴	۳۱/۱	۴/۷
۳	رواج خشونت و پرخاشگری در جامعه	۴	۵/۱۹	۰/۷۸
	جمع	۷۷	۱۰۰	۱۵/۰۹

در جدول ۴ احساس یأس شامل ناامیدی از بهبود آینده جامعه و تحقق آرزوهای فردی بیشتر تکرار شده است. آثار این ناامیدی در قالب برخی جمله‌ها به ترتیب زیر قابل مشاهده است:

- بیا با هم به این دنیا فحش ناموس بدیم.
 - مخم بیداره ولی ترجیح میدم باشه تو خواب.
 - خدا اشکو به اون هدیه داده بود شب‌ها.
 - کم کم خواست به صدا دربیاره ناقوس مرگ را.
 - از همه جا بریدم و یه جوون پیرم.
 - اینجا واسه رسیدن راهی جز رفتن نیست.
 - تا حالا شده عاشق یک دختر بشی؟ پیش خودت می‌گی اینه عشقه تاریخی، بعدش می‌بینی عشقتو با یک بچه‌مایه‌دار، خواب دیدی خیره!
- این ناامیدی اغلب به محدودیت‌هایی که در مسیر ابراز آزادانه عقاید وجود دارد، مادی‌گرا شدن، رابطه با جنس مخالف و بی‌اعتمادی به اثربخش بودن تلاش برای آینده ارتباط دارد.

جدول ۵. مضامین سیاسی ترانه‌ها

ردیف	مضامین	فراوانی	درصد نسبت به مضامین سیاسی تعداد=۷۰	درصد نسبت به کل مضامین تعداد=۵۱۰
۱	فقدان آزادی	۱۹	۲۷/۱۴	۳/۷۲
۲	بی‌اعتمادی به مسئولان جامعه	۱۴	۲۰	۲/۷۴
۳	نیاز جوانان به برقراری رابطه با مسئولان	۵	۷/۱۴	۱
۴	نگرانی از سلطه نیروهای خارجی	۵	۷/۱۴	۱
۵	اشاره به نیروی انسانی و وسعت ارضی ایران	۵	۷/۱۴	۱
۶	انتقاد از قوانین دست و پا گیر در استخدام‌های دولتی	۳	۴/۲۸	۰/۵۸
۷	ناتوانی حکومت در تأمین نیازهای اولیه	۳	۴/۲۸	۰/۵۸
۸	تکیه مسئولان بر روش دشمن‌سازی	۲	۲/۸۵	۰/۳۹
	جمع	۷۰	۱۰۰	۱۳/۷۲

در جدول ۵ حدود ۱۴ درصد از کل مضامین انتقادی به موضوعات سیاسی اشاره دارد. از جمله مضامینی که در این حوزه بیشتر مورد انتقاد قرار گرفته، فقدان آزادی بیان و آزادی در انتخاب نوع پوشش است. سایر موارد بر بی‌اعتمادی به مسئولان جامعه، بی‌توجهی و برخورد مغرضانه مسئولان اداری با مراجعه‌کنندگان، ضعف ایران در زمینه‌های علمی، هنری، ورزشی، نیاز مردم به ارتباط مستقیم با مسئولان و همچنین نگرانی از سلطه نیروهای خارجی دلالت دارد.

جدول ۶. مضامین اقتصادی ترانه‌ها

ردیف	مضامین	فراوانی	درصد نسبت به مضامین اقتصادی تعداد=۲۹	درصد نسبت به کل مضامین تعداد=۵۱۰
۱	شیوع فقر در جامعه	۲۰	۶۸	۴
۲	مسائل و مشکلات ناشی از بیکاری	۹	۳۲	۱/۷۶
	جمع	۲۹	۱۰۰	۵/۷۶

❖ در جدول ۶ دو عامل رواج فقر و بیکاری مهم‌ترین نکات اقتصادی مورد اشاره هستند. آثار حاصل از اشاعه فقر و بیکاری که در ترانه‌های مختلف به آنها اشاره شده به ترتیب زیر است:

- ملت هنوز می‌رن مسجد تا کفش بدزدن.

- دیگه خودتم می‌دونی اینه گفته عقل، باید با پول بشینی سر سفره عقد.

- ملت خلاف می‌کنن تا برن زندون واسه جای خواب.

- فقر از در بیاد تو همه چیزو خراب می‌کنه.

نتیجه‌گیری

یک واقعیت انکارناپذیر در مورد انواع موسیقی‌های عامه‌پسند و از جمله موسیقی زیرزمینی این است که آنها در خارج از مرزهای فرهنگی جامعه ایران تولید می‌شوند اما در داخل کشور مورد استقبال برخی از جوانان قرار می‌گیرند.

برای مثال ۷۹ درصد از نمونه‌ای از دانشجویان دولتی کل کشور (۱۳۸۰) اظهار کردند که گاهی از موسیقی‌های غیرمجاز استفاده می‌کنند (سراج‌زاده و جواهری، ۱۳۸۲). ۶۱ درصد از جوانان اصفهانی نمونه یک پژوهش دیگر گفته‌اند که اغلب اوقات، از موسیقی پاپ ایرانی ضبط‌شده در خارج از کشور استفاده می‌کنند و فقط کمتر از یک پنجم (۱۸٪) پاسخگویان از این نوع موسیقی استفاده نمی‌کنند (قاسمی، ۱۳۸۱).

در تحقیق شکوری و غلامزاده نظری (۱۳۸۹) نیز مشخص شد که موسیقی پاپ لس‌آنجلسی، موسیقی غربی و موسیقی پاپ زیرزمینی بیشترین مصرف را در بین جوانان ایرانی دارد. یافته‌های یادشده بر این واقعیت دلالت دارد که آنچه به‌طور واقعی بین جوانان رواج دارد از ارزش‌ها و سیاست‌های فرهنگی جامعه فاصله دارد.

برای شناسایی دلایل علاقه جوانان به این نوع موسیقی باید توجه کرد که این

❖ موسیقی چه فرصت‌ها و امکاناتی را در اختیار هوادارانش می‌گذارد تا در زندگی روزمره از آن بهره‌گیرند.

اطلاعات این نوشتار تنها بر این جنبه تمرکز داشته که مفاهیم و مضامین مندرج در متن ترانه موسیقی زیرزمینی را بکاود و مورد تحلیل قرار دهد.

اطلاعات به دست آمده حاکی از آن است که این ترانه‌ها اغلب به طرح مضامین اجتماعی، فرهنگی، مذهبی، وضعیت روانی انسان در جامعه کنونی، امور سیاسی و مسائل اقتصادی پرداخته‌اند.

مهم‌ترین مقوله‌های اجتماعی شامل شکایت از عدم امکان رشد جوانان، احساس نابرابری و تبعیض و وجود سطح بالایی از انحراف است. عمده‌ترین مقوله‌های فرهنگی، تضعیف ارزش‌های انسانی و اخلاقی، رواج تبعیض علیه زنان و ارجحیت ارزش‌های مادی به ارزش‌های معنوی هستند. در حوزه دین و دین‌داری اغلب به اموری مانند بی‌اعتمادی به دین‌داران متظاهر، اعتراض به استفاده ابزاری از دین و برآورده نشدن انتظارات معنوی جوانان اشاره شده است. وضعیت روانی انسان امروز با صفاتی مانند احساس ناامیدی به آینده، تحقیرشدگی، فشار روانی و پرخاشگری بیشتر توصیف شده است. در حوزه سیاست به فقدان آزادی بیان، بی‌اعتمادی به مسئولان جامعه و نیاز به ارتباط مستقیم با آنها اشاره شده است. در حوزه اقتصادی نیز شیوع فقر و مشکلات ناشی از بیکاری مورد توجه بوده است.

بنابراین همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد، موسیقی زیرزمینی حامل پیام‌های انتقادی نسبت به شرایط جامعه است. نکته جالب توجه این است که مشکلات اجتماعی و فرهنگی بیش از مشکلات اقتصادی مورد اشاره قرار گرفته‌اند. این امر شاید نشانه آن باشد که به رغم شایع بودن محدودیت‌های اقتصادی، وجود مسائل و مشکلات اجتماعی و فرهنگی بیشتر آسیب‌آفرین یا آزاردهنده به نظر می‌رسد.

نکته شایان توجه دیگر این است که ترانه‌های موسیقی زیرزمینی که از نوع موسیقی‌های عامه‌پسند است برخلاف روال معمول فقط به توصیف رابطه‌های عاطفی بین دو جنس محدود نمی‌شود؛ بلکه بیشتر معطوف به مسائل جامعه هستند. از این رو می‌توان گفت موسیقی همچون یک رسانه، حامل پیام اجتماعی است و تحت شرایطی خاص ممکن است به یک عامل مقاومت فرهنگی تبدیل شود. مقاومت به کنشی اطلاق می‌شود که توسط گروهی از افراد صورت می‌گیرد تا پیامی مخالفت‌آمیز را به گروهی دیگر منتقل سازد. این مفهوم در مطالعات فرهنگی بیشتر در زمینه فرهنگ عامه‌پسند یا اقلیت‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها کاربرد دارد. مقاومت در فضاهایی صورت می‌گیرد که یک هژمونی غالب وجود داشته و از جایگاه مستحکمی برخوردار باشد. در چنین فضایی گروه‌های اقلیت به صورت نمادین، هژمونی غالب را به بازی می‌گیرند و مخالفت خود را به جنبه‌هایی از آن و شرایطی مانند بیکاری، مصرف‌گرایی و از خودبیگانگی ابراز می‌دارند (اسمیت، ۱۳۸۳: ۲۵۱).

البته برای قضاوت محققانه درباره موسیقی زیرزمینی لازم است نکات زیر مورد عنایت قرار گیرد از جمله آنکه:

از آنجا که تولیدکنندگان موسیقی زیرزمینی اغلب در خارج از مرزهای فرهنگی-اجتماعی جامعه ایران به سر می‌برند، ممکن است بین آنها و مصرف‌کنندگان موسیقی آنها یک نوع شکاف نگرشی، ادراکی و عاطفی وجود داشته باشد. این واقعیت می‌تواند درجه تأثیرگذاری و نفوذ آنها را کاهش دهد.

از طرف دیگر مفاهیم مندرج در متن شعر موسیقی‌های زیرزمینی همیشه تفسیر واقع‌بینانه و دقیقی از شرایط جامعه ایران ارائه نمی‌دهند بلکه این احتمال نیز وجود دارد که آنها از برخی جهات ناقص، جانب‌دارانه و گزینشگرانه باشند. همچنین باید به این نکته توجه نمود که استفاده از موسیقی زیرزمینی الزاماً به معنای موافقت با مضامین آن

❖ نمی‌باشد بلکه ممکن است به خاطر تنوع‌طلبی، کنجکاو و دلایل دیگر باشد. افزون بر این، حتی اگر جوانان مصرف‌کننده موسیقی زیرزمینی موافق نظرهای مطرح شده در آن باشند این نتیجه را نمی‌توان به کل جوانان کشور تعمیم داد. در نهایت این واقعیت که مصرف‌کنندگان موسیقی زیرزمینی تا چه اندازه به طور عینی و عملی از مضامین مفهومی آن تأثیر می‌پذیرند و این تأثیر تا چه اندازه پایدار خواهد بود، محل تردید است.

زیرا موسیقی پاپ تمایلی به باقی ماندن در حافظه جمعی ندارد، زودگذری یا عمر کوتاه، نشانه‌ای از فرهنگ پاپ است. به همان اندازه‌ای که هر ژانر موسیقی پاپ از نظر احساسی، ویژه گروه خاصی از مردم است به همان نسبت تأثیر خود را بر نسل‌های بعدی به سرعت از دست می‌دهد (دانسی، ۱۳۸۷: ۱۶۸).

به هر حال اقبال جوانان به موسیقی زیرزمینی از چند نظر می‌تواند برای مدیران فرهنگی جامعه محل تأمل باشد.

جهت اول این است که موسیقی تک‌صدایی تحت کنترل نظام سیاسی، پاسخگوی نیاز جوانان امروز نیست، زیرا آنها متقاضی استفاده از شکل‌های متنوعی از موسیقی هستند.

دیگر آنکه حداقل برخی از جوانان - و نه همه آنها - به اشکالی از موسیقی که دارای مضامین اجتماعی و سیاسی است، علاقه‌مند هستند.

تحقیق در این مورد که جوانان به چه دلیل به مصرف این قبیل ژانرهای موسیقایی می‌پردازند، چگونه از آن استفاده می‌کنند و چه تأثیرهایی از آن می‌پذیرند اطلاعات راهگشایی را در اختیار مدیران فرهنگی جامعه قرار می‌دهد.

در نهایت آنکه، موسیقی زیرزمینی که در ایران استفاده می‌شود می‌تواند نمادی

❖ از درهم آمیزی امر جهانی و محلی تلقی شود. زیرا با وجودی که ریتم و ملودی این موسیقی از سبک وارداتی موسیقی غربی الهام گرفته، اما شعر و ترانه آن در راستای تحلیل و تفسیر شرایط داخل جامعه به کار گرفته شده است. صرف نظر از اینکه تفسیرهای ارائه شده صحیح و صادق باشد یا خیر، این فرایند نشان دهنده وجود ظرفیت های داخلی برای بهره برداری از محصولات فرهنگی فراملی در ارتباط با مسائل جامعه بومی است. این قبیل آمیزش ها توجه ما را به واقعیت های فرهنگی پیش رو جلب می کند. بر این اساس می توان گفت «در آینده با فرهنگ جهانی شده ای مواجه خواهیم شد که با سرشت یکپارچه ساز و ذات آفرین فرهنگ های ملی، متفاوت و بافت آن نامنسجم تر و بی ثبات تر است» (تاملینسون، ۱۳۸۱: ۲۰۴).

منابع و مأخذ

- آریان‌پور، امیرحسین، (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی هنر*، تهران: گستره.
- آزاده‌فر، محمدرضا و مهردادنوری، (۱۳۸۹). «تحلیل نحوه برخورد و ارزش‌گذاری موسیقی راک از دیدگاه مخاطبان: مطالعه موردی شنوندگان ایران و ترکیه»، *نامه علوم اجتماعی* دانشگاه تهران: فصلنامه *جامعه‌شناسی هنر و ادبیات*، شماره اول، ۲۱۰-۱۸۵.
- ادگار، اندرو، و پیترسج‌ویک، (۱۳۸۷). *مفاهیم کلیدی و نظریه فرهنگی*، ترجمه ناصرالدین تقویان، تهران: دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم تحقیقات و فناوری.
- استوری، جان، (۱۳۸۶). *مطالعات فرهنگی درباره فرهنگ عامه*، ترجمه حسین پاینده، تهران: آگه.
- اسمیت، فیلیپ، (۱۳۸۳). *درآمدی بر نظریه فرهنگی*، ترجمه حسن پویان، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ایمان، محمدتقی، نسیمه رنجبری و ابراهیم اسکندری، (۱۳۸۹). «کندوکاو سیستم معانی ذهنی مصرف‌کنندگان موسیقی»، فصلنامه *تحقیقات فرهنگی ایران*، دوره سوم، شماره ۴، ۱۱۲-۸۵.
- بورديو، پی‌یر، (۱۳۹۰). *تمایز: نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: ثالث.
- تامپسون، جان . ب، (۱۳۸۷). *ایدئولوژی و فرهنگ مدرن: نظریه اجتماعی انتقادی در عصر ارتباطات*، ترجمه مسعود اوحدی، تهران: موسسه فرهنگی آینده پویان تهران.
- تامپسون، جان، (۱۳۸۱). *جهانی‌شدن و فرهنگ*، ترجمه محسن حکیمی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی و مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها.
- تری یان‌دیس، هری.س، (۱۳۷۸). *فرهنگ و رفتار اجتماعی*، ترجمه نصرت فنی، تهران: رسانه‌س.
- جنکینز، ریچارد، (۱۳۸۱). *هویت اجتماعی*، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: شیرازه.
- دانسی، مارسل، (۱۳۸۷). *نشانه‌شناسی رسانه‌ها*، ترجمه گودرز میرانی و بهزاد دوران، تهران: چاپار.

- دیلنای، ویلهلم، (۱۳۸۹). *تشکل جهان تاریخی در علوم انسانی*، ترجمه منوچهر صناعی دره‌بیدی، تهران: ققنوس.
- رنجبری پور، علی، (۱۳۹۰). *موسیقی و مشروطه ایرانی*، روزنامه شرق، ۱۵ مرداد ۱۳۹۰: ۴۵.
- سراج‌زاده، سیدحسین و فاطمه جواهری، (۱۳۸۲). *نگرش‌ها و رفتار دانشجویان*، خلاصه یافته‌های یک پژوهش میان‌رشته‌ای، تهران: دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- سروی، حسین، (۱۳۸۹). «بررسی گفتمان سنت‌گرای موسیقی در ایران معاصر ۱۳۸۵-۱۲۸۵»، فصلنامه *علوم اجتماعی* دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۴۹: ۱۸۳-۱۴۳.
- شکوری، علی و امیرحسین غلامزاده نطنزی، (۱۳۸۹). «منش و سبک مصرف موسیقی: مطالعه موردی جوانان شهر تهران»، *مجله جهانی رسانه*، دانشگاه تهران، شماره ۱۰، <http://gmj.ut.ac.ir/magazine.aspx?id=5>
- شوکر، روی، (۱۳۸۶). «نسل من: مخاطبان، شیفتگان، خرده‌فرهنگ‌ها»، ترجمه مراد فرهادپور و شهریار وقفی‌پور، *ارغنون*، شماره ۲۰، ویژه‌نامه فرهنگ و زندگی مردم: ۳۲-۱.
- کیوی، ریمون و لوک وان کامپنهود، (۱۳۷۷). *روش تحقیق در علوم اجتماعی*، عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: فرهنگ معاصر.
- فاضلی، محمد، (۱۳۸۴). «جامعه‌شناسی مصرف موسیقی»، فصلنامه *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، سال اول، شماره ۴: ۵۴-۲۷.
- فیسک، جان، (۱۳۸۸). *درآمدی بر مطالعات ارتباطی*، ترجمه مهدی غبرایی، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- قاسمی، وحید (۱۳۸۱). *بررسی گرایش جوانان به انواع موسیقی در شهر اصفهان*. تهران: گزارش طرح پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قاسمی، وحید و سیدآیت‌الله میرزایی، (۱۳۸۵). «جوانان و هنجارهای رسمی و غیررسمی موسیقی پاپ: پژوهشی در بین جوانان شهر اصفهان»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۸: ۹۸-۱۲۲.
- محمدی، برات، (۱۳۸۹). «بررسی جامعه‌شناختی و آسیب‌شناسی اجتماعی در آیین شعر مشروطه»، *پژوهش‌نامه فرهنگ و ادب*، شماره ۶ (۱۰): ۳۹۵-۴۲۱.
- مهرعلی، محمدرضا، (۱۳۷۷). «علل گرایش جوانان به گروه‌های نابهنجار موسیقی (رپ، هوی‌متال و سایر سبک‌ها)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- نصیری‌فر، حبیب‌الله، (۱۳۸۰). *نقش شعر و غزل و موسیقی آوازی ایران*، تهران: نگاه.

❖ نیکوبخت، ناصر و غلامعلی زارع، (۱۳۸۶). «انگیزه‌های توجه به ایران باستان در شعر عصر مشروطه»، فصلنامه پژوهش‌های ادبی، شماره ۱۵: ۱۳۹-۱۵۳.
و دادهیر، ابوعلی، احسان امینیان، آسیه‌سادات طباطبایی و محمدجواد سلمانی، (۱۳۹۰). «جوانان و موسیقی پاپ»، مسائل اجتماعی ایران، سال دوم، شماره ۱: ۱۶۷-۱۹۴.
هابرماس، یورگن، (۱۳۸۶). «سیطره عمومی»، ترجمه هاله لاجوردی، ارغنون ۲۰: فرهنگ و زندگی مردم: ۲۶۵-۲۷۹.

Darnard Alen & Jonathan Spencer ,(1996). *Encyclopedia of Social and Cultural Antropology*, United Kingdom: Routledge
Hauser Gerard ,(1998), "Vernacular Dialogue and the Rhetoricity of Public Opinion", *Communication Monographs* 65 (2): p:83-107